

## نگاهی به تفسیر منهج الصادقین

حسین ستار\*

**چکیده:** تفسیر منهج الصادقین از مشهورترین تفسیرهای فارسی است که ملافتح الله کاشانی دانشمند شیعه قرن دهم (م ۹۸۸) آن را نوشته است. نگارنده در این گفتار، به شرح حال مختصر کاشانی، استاد مشهور او علی بن حسن زواره‌ای و آثارش، تأییفات کاشانی و ویژگیهای تفسیر منهج الصادقین پرداخته است.

**کلید واژه:** کاشانی - ملا فتح الله / مفسران شیعه - قرن دهم / زواره‌ای - علی بن حسن / منهج الصادقین.

### مقدمه

مسلمانان از دیرباز به قرآن توجه داشتند. در این میان، نخستین تفسیر فارسی بعد از قرن چهارم نوشته شد که ترجمه تفسیر طبری بود و به دستور منصورین نوح سامانی انجام گرفت. (۱۱: ص ۱۱۵) پس از آن نیز تفاسیر فارسی فراوان نوشته شد که علاوه بر فضیلت دینی، گنجینه‌ای بزرگ از زبان‌شناسی دربر دارد. (۱۲: ص ۶) از قرن

---

\*. مریم، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان.



نهم به بعد، این روند، سرعت گرفت. یکی از این تفاسیر -که در این گفتار، به معروفی آن می‌پردازیم -تفسیر «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین» است، از آثار ملا فتح الله کاشانی.

اطلاعات و تاریخ به جا مانده از این عالم شیعی در مقایسه با همگنان او و نیز با توجه به اهمیّت و تنوع نگاشته‌های او بسیار کم است و حیرت‌آور. مرحوم ملا حبیب‌الله شریف در کتاب لباب الالقاب، از او یاد می‌کند و می‌نویسد که من کسی را ندیدم که در رجال علم از او یادی کرده باشد. (۱۴: ص ۸۰) سپس ادامه می‌دهد:

نوشته‌های وی گواهی می‌دهد به اینکه او عالمی فاضل و جامع علوم معقول و منقول، فقیه و مسلط به لغت، ادبیات و اصول بوده است... تعجب از این است که چگونه احوال این عالم مخفی مانده و در عداد فضلاء یاد نشده؟ براین باورم که او به سبب فقر و عدم تمکن دنیوی و از آن روی که در پی جمع مال و اموال نبوده [چنین گمنام مانده] ...نام نیکو و شهرت در اکثر دورانها بسته به مال و اموال است نه زهد و علم و کمال. (۱۴: ص ۸۱-۸۲)

در هر حال، وی از مفسران بنام قرن دهم است. هیچ یک از کتب تواریخ به سال تولد او اشاره‌ای نداشته‌اند و صرفاً اورا به قرن دهم نسبت داده‌اند. بنابراین، تاریخ تولدی از او در دست نداریم. وی به سال ۹۸۸ هـ (۱۵۸۰ م) درگذشت. (۱: ج ۲۳، ۱۹۴: ج ۴، ص ۴۷۷؛ ۵: ج ۸، ص ۳۹۳؛ ۱۰: ج ۲، ص ۵۹۲)

### بررسی ادعای کشف الحجب:

در این بین، ادعای سید اعجاز حسین کتوری منحصر به فرد و غیرقابل قبول می‌باشد. وی سال فوت کاشانی را ۹۹۷ هـ (۲۴: ص ۱۴۳ و ۲۰۸) نگاشته و محل دفن او را در کشمیر دانسته است. (همان: ص ۲۰۸)

این ادعا قابل قبول نیست؛ زیرا:

اولاً: هیچ مدرک تاریخی در سفر ملا فتح الله به کشمیر و ارتباطی با آن حوزه به

دست نیامده است.

ثانیاً: مقبره مرحوم ملافتح الله در کاشان، از دیر زمان، معروف و دارای ساختمان مخصوص چهار طاقی در ابتدای جاده قمصر و در خیابانی قرار دارد که امروزه ملافتح الله نامیده می شود. ملاحبيب الله شریف نیز از مقبره او به عنوان مکانی معروف و مشهور -که زیارتگاه خاص و عام و محل نذرها مدرکاشان است - یاد می کند و خانه او را نیز در همان نزدیکی می داند. (۱۴: ص ۸۱)<sup>۱</sup>

ثالثاً: شخصیتی که همنامی او با ملافتح الله کاشانی موجب این اشتباه شده، مرحوم «فتح الله شیرازی» است. وی از علمای این دوره است و به دعوت شاه علم دوست بیجاپور به هندوستان رفت و به مرور، در جرگه خاصان و دوستان اکبر شاه قرار گرفت. همراه با اکبر شاه در سفری که به کشمیر داشت، بیمار شد و درگذشت و در همانجا مدفون گشت. با توجه به یکسان بودن تاریخ فوت فتح الله شیرازی با مدعای صاحب کشف الحجب، وی سال فوت او را به ملافتح الله کاشانی نسبت داده است؛ بدان روی که سید اعجاز حسین از شبه جزیره هندوستان بوده و با علمای آن حوزه آشنایی بیشتر داشته است.

مرتضی حسین صدر الافضل نیز این اشتباه را تأیید می کند و می نویسد:

عده‌ای بعضی از کتابهای ملافتح الله کاشانی تحت عنوان تفسیر منهج الصادقین، خلاصه منهج، ترجمه نهج البلاعه و ترجمة قانون بوعلی سینا (تألیف فتح الله بن فخر الدین شیرازی) را فقط به خاطر شباهت نام به غلط به میرفتح الله منسوب کرده‌اند. (۱۵: ص ۴۳۳)<sup>۲</sup>

۱. متأسفانه این مقبره در طول سالیان، به سبب عدم توجه مسئولان ذی ربط خدمات جدی دیده بود که خوشبختانه اخیراً بازسازی اولیه آن صورت گرفته و امید است که با ادامه این کار شاهد بنایی در خور شخصیت آن مفسر عالی مقام باشیم.

۲. فتح الله شیرازی (۹۲۰- ۹۹۷ق) از سادات شیراز که در حدیث و فقه و اصول و ادب و نجوم و هیئت و حساب و کیمیا به درجه کمال رسید. تصانیف وی عبارت اند از: تکملة حاشیه علامه دوانی بر تهدیب المنطق، حالات و عجایب کشمیر، تألیف بعضی از اجزای تاریخ الفی و... (۱۶: ص ۲۷)





## نشش قبر و احیای وی:

از داستانهای معروف در مورد آن بزرگوار در مصادر تاریخی، داستان احیای او است پس از سکته که جنازه او را در دخمه‌ای به امانت گذاشتند تا به نجف انتقال دهند. نقل است که در زمان نوشتمن منهج الصادقین، سکته‌ای کرد که آن را فوت او دانستند و بدنش را در قبر به امانت نهادند. وی در قبر به هوش آمد و نذر کرد که اگر نجات یابد، تفسیر را به پایان رساند. شامگاه مرد بنا برای برداشتن لوازم خود -که در آن دخمه نهاده و فراموش کرده بود - درگاه دخمه را گشود. کاشانی نجات یافت و تفسیر را به پایان برد. (۲۳: ص ۲۷۹؛ ۳۵: ج ۱، ص ۳۷۴)

ملا حبیب الله شریف از این گزارش به عنوان داستانی مشهور بر زبانها (قد اشتهر علی الألسن) یاد کرده و می‌نویسد که این حکایت در مورد ملام محمد‌هادی فرزند ملا صالح مازندرانی نیز نقل شده است. (۱۴: ص ۸۱)

این داستان در مورد شیخ طبرسی (متوفی قرن ۶) نیز بعینه نقل شده و او نیز نذر کرده در صورت نجات از دخمه، تفسیری بر قرآن بنویسد. (۱۸: ص ۳۴۶)

سپس ایشان به نقل روضات، تفصیل این داستان را در مورد مرحوم طبرسی نقل می‌کند و در انتهای می‌نویسد:

شیخ محدث ما (محدث نوری) فرموده که با این شهرت که ایشان گفته‌اند من این حکایت را در کتاب احادی قبل از صاحب ریاض نیافتم. (۱۸: ص ۳۵۲)  
در هر حال، این رویداد، نقش مهمی در مورد دیدگاه ما نسبت به این تفسیر ندارد.

## اساتید ملافتح الله:

تنها استادی از وی که سراغ داریم، «ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای» است. (۱: ج ۲۰، ص ۲۷۶) همچنان که معروف ترین شاگردی که از زواره‌ای سراغ داریم، مرحوم ملافتح الله است.

زواره‌ای از شاگردان محقق کرکی معروف به محقق ثانی است؛ اما تفسیر را از استادش غیاث الدین جمشید المفسّر الزواری در یافت نموده است. او همچنین از میر عبدالوهاب بن علی الحسینی الاستر آبادی نقل حدیث می‌کند. (۱: ج ۴، ص ۱۵۲<sup>۱</sup>)

از آثار او می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. **ترجمة الخواص**: تفسیر فارسی قرآن مجید بوده که به تفسیر زواری معروف است. (۱: ج ۲۹، ص ۱۳۵؛ ۲: ج ۳۴، ص ۳۷۶؛ ۳: ج ۱، ص ۱۰۰)

تاریخ اتمام آن سال ۹۴۷ هجری است.

۲. **روضۃ الأنوار**: در شرح فارسی نهج البلاغه. (۱: ج ۲۹، ص ۳۵۸؛ ۲: ج ۱، ص ۱۳۵؛ ۳: ج ۳۷۶؛ ۴: ج ۱۴، ص ۱۳۶)

۳. **ترجمة كشف الغمة** موسوم به ترجمة المناقب: (۱: ج ۲۹، ص ۳۹۳) این کتاب با مقدمه مرحوم شعرانی و تصحیح سید ابراهیم میانجی همراه با اصل کشف الغمة به زیور طبع آراسته گشته است.

۴. آثار الاخیار در ترجمة تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیہ السلام.

۵. **مکارم الکرام** در ترجمة مکارم الاخلاق طبرسی.

۶. **مفتاح النجاۃ**: در ترجمة عدۃ الداعی ابن فهد. (۱: ج ۲۲، ص ۳۵۵)

۷. **ترجمة احتجاج طبرسی**. (۱: ج ۴، ص ۷۵)

۱. برای اطلاع از زندگی او و آثار وی و اشتباه شرح حال توییسان در توصیف او با غیاث الدین جمشید کاشانی مراجعه کنید به: شرح حال کاملی از سید غیاث الدین جمشید زواره‌ای. (۱: ص ۲۶؛ ۲: ص ۳۷)



۸. مرآت الصفا: در مناسک حج و اعمال و ادعیه که خاتمه آن در زیارات است.

(۱: ج ۲۰، ص ۲۷۶)

۹. مجمع الهدی: در قصص انبیا و ائمه. (۱: ج ۲۰، ص ۴۷)

۱۰. شرح صحیفه سجادیه: که در سال ۹۴۷ از تألیف آن فارغ شده است. (۱:

ج ۱۳، ص ۳۵۳؛ ۳۵: ص ۳۷۱)

۱۱. وسیله النجاة در ترجمة اعتقاد صدوق. (۱: ج ۲۵، ص ۸۸؛ ۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳)

۱۲. تحفه الدعوات که در برگیرنده اعمال سال و ادعیه است. (۱: ج ۲۹، ص ۲، ص ۳۹۳)

۱۳. ترجمة الأربعين حديث شهید اول. (همان)

۱۴. لوامع الانوار در معرفت ائمه اطهار علیهم السلام. (كتابخانه آیة الله مرعشی، ش ۳۷۴)

۱۵. طراوة الطائف: در ترجمه «الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف» سید

ابن طاووس. (كتابخانه آیة الله مرعشی، شماره ۱۰۸۶)

با مقایسه اجمالی این آثار و آثار ملافتی الله مشاهده می شود:

الف - هر دو کتاب «احتجاج طبرسی» را ترجمه نموده اند. البته احتمال می رود

که مورخین یک کتاب را به هر دو نسبت داده اند. (۳)

ب - هر دو برقان و نهج البلاغه شرح مفصلی زده اند.

ج - هر دو مؤلف (استاد و شاگرد) کتاب تفسیری خود را در واکنش به تفسیر

مواحب علیه کاشفی نگاشته اند.

### بررسی سخن مرحوم بهار در مورد زوارهای

ملک الشعرای بهار، علی بن حسن زوارهای را از نویسندها و مفسران نامی

صفویه دانسته و تفسیر وی را از تفاسیر مشهور بعد از تفسیر طبری و ابوالفتوح و

گازر و جواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی می داند. وی اورا مردی مفسر و فقیه و

محدث و فاضل و ادیب که «در تصانیف و تراجم به تصوّف مایل بوده» معرفی

می‌نماید. (۷: ج ۳، ص ۳۰۳)<sup>۱</sup>

سعید نفیسی در شرح حال زواره‌ای از گرایش او به صوفیه یاد می‌کند. (۳۵:

ج ۲، ص ۳۷۱)



در مورد تمایل زواره‌ای به تصوّف نکات ذیل قابل ذکر است:  
اولاً: تمایل مرحوم زواره‌ای به تصوّف در هیچ جای دیگر ذکر نشده است و مشخص نیست مرحوم بهار و نفیسی به استناد چه مطالبی وی را به این گروه نزدیک می‌دانند.

وی به لحاظ استعداد شگرف و پیشرفت قابل توجه در معارف اسلامی و کسب مدارج عرفانی مورد سعایت نااہلان قرار گرفته و او را به صوفیگری و گرایش به تصوّف متهم کرده‌اند. البته وی اهل عرفان بوده، لیکن عرفان به معنای توجه به خدا و انقطاع از غیر او و زهد و وارستگی؛ ولی او اهل صوفیگری و مرید بازی و مسائلی از این قبیل نبوده است و مسلماً کسی که در فقه و حدیث و مسائل شرعی مرجع عام و خاص است، از تصوّف چندان دلخوشی ندارد. (۲۹: ص ۳۹)

ثانیاً: خود مرحوم بهار در همین کتاب با اشاره به تسلط گفتمان اهل سنت در ایران قبل از صفوی می‌نویسد: «علمای شیعه با تصوّف سروکاری نداشتند.» (۷: ص ۲۵۴) نیز یاد آور می‌شود که «صوفیگری در دوره شاه طهماسب (یعنی همان دوره مرحوم زواره‌ای) دیده نمی‌شد.» (۷: ص ۲۵۴)

وفات مرحوم زواره‌ای در اواسط قرن دهم (حدود ۹۶۰) بوده است. شگفتان مردی با این تألیفات گسترده و خدمات ارزنده علمی و تحصیل در دامن بزرگواری چون محقق کرکی و تربیت شاگردانی همچون ملافتح الله کاشانی، در عرصه تاریخ و شرح زندگی بسان شاگرد خود مهجور مانده و اطلاعات تاریخی بسیار اندکی از او به ما رسیده است.

۱. امروزه هیچ یک از سه تفسیر طبری و ابوالفتوح و گازر و جواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی بین فارسی زبانان به اندازه منهج الصادقین شهرت ندارد.

## شاگردان ملا فتح الله

از تمام متونی که در زندگی این بزرگوار جستجو نمودم، جز یک شاگرد از وی نیافتم: رضی الدین شاه مرتضی. (۹۵۰-۱۰۰۹ق) (۱: ج ۱۴، ص ۷۹)

وی فقیه، متکلم، مفسّر و ادیب و اصولی و پدر عالم مشهور، ملامحسن فیض کاشانی است. حوزه درس شاه مرتضی همانند تهجد و تقوا و کتابخانه بزرگ او در این شهر، شهرت فراوان داشته است.

### فرزندان وی

کمبود اطلاعات و داده‌های تاریخی از این چهره درخشنان در این قسمت نیز غباری از تاریکی بر چهره او افکنده است. در تاریخ، آنچه از فرزندان او سراغ داریم یک پسر و یک دختر می‌باشد.

پسر او «علی‌رضا کاشانی» دارای کتابی است به نام «وسیله النجاة» که نسخه‌ای از آن را مرحوم آقا‌بزرگ طهرانی در مکتبه امیرالمؤمنین علی‌الله علیه السلام در نجف دیده است. این کتاب در باب شرح چهل حدیث به زبان فارسی است که حدیث چهلم آن در باب جزیره خضراء است. وی در این کتاب خود را به «علی بن فتح الله» و مشهور به «رضا» توصیف نموده است. (۱: ج ۵، ص ۴۰۰)

اما از آنچه مرحوم ملاحیب الله شریف در کتاب ارزنده لباب الالقاب می‌گوید، می‌توان دریافت که او دارای دامادی صاحب فضل و متبحّر در علم تفسیر و از نزدیکان به قلم ملافتح الله بوده است. وی می‌نویسد:

چنین گفته شده است که تفسیر فارسی منهج الصادقین در هنگام فوت ملاناقص بوده و بعد از رحلت وی توسط دامادش به اتمام رسیده است. (۱۴: ص ۸۲-۸۳)

هر چند اصل ادعای ناتمام بودن تفسیر و اتمام آن توسط داماد وی صحیح نیست و در جای دیگر این گفتار به آن پرداخته ایم، اما مشخص می‌شود که داماد او دارای تبحّری در این علم بوده که بتوان در باب او چنین نسبتی داد. البته از نام و

شهرت یا آثار احتمالی او چیزی در دست نداریم.

## تألیفات



حوزه تألیفات این نویسنده کوشارا می‌توانیم به سه گروه مختلف تقسیم کنیم:

### الف) تفسیر قرآن

- ۱- منهج الصادقین فی الزام المخالفین در تفسیر قرآن کریم.
- ۲- خلاصه المنهج: که تلخیص منهج الصادقین توسط مؤلف است.
- ۳- زيدة التفاسیر به عربی: این تفسیر به لحاظ حجم، تفسیر متوسط وی، بین تفسیر کبیر منهج و وجیز خلاصه المنهج است.

### ب) تفسیر نهج البلاغه

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین. (۲۹: ج ۵ - ۶، ص ۲۰)

### ج) ترجمه

#### ۱- ترجمه قرآن

ترجمة القرآن به فارسی که آن را در حاشیه قرآن نگاشته است. (۱: ج ۴، ص ۱۲۷؛ ۲۰: ج ۵ - ۶، ص ۲۹)

#### ۲- کشف الاحجاج (۱: ج ۱۸، ص ۸-۷؛ ۲۹: ج ۵-۶، ج ۲۰)

۳- ترجمه قواعد الأحكام تالیف علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی. (۳۷۴: ص ۳۵)

### د) کلامی

#### ۱- اثبات واجب (نسخه خطی رضوی، شماره ۶۷۹)

از صفحه آخر این کتاب بر می‌آید که تاریخ اتمام آن سال ۹۴۹ هجری است. نیز نویسنده به اسم نیای خود نیز با عنوان «لطف الله» اشاره می‌کند که در هیچ مأخذ دیگری مذکور نیست. از دیگر سو، این کتاب با تمامی کتب دیگر ملافتی الله به لحاظ موضوعی تفاوت دارد.

۲- علامات ظهور و قیامت. (نسخه عکسی آن در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۱۷۷۲ نسخه عکسی آن موجود است).

این کتاب نیز همانند کتاب اثبات واجب در ذریعه و ریحانة الادب و ریاض و دیگر کتب تراجم مذکور نیست. کتاب در ۹۷ صفحه تدوین شده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسه آیة الله بروجردی در کرمانشاه موجود است که در قرن ۱۲ کتابت شده است.

## دو نکته

۱. مرحوم سید محسن امین در ذکر آخرین آثار مرحوم ملافتح الله دو کتاب دیگر را به نامهای «ملاذ الفقهاء» و «ماده التاریخ» ذکر می‌کند. (۵: ج ۸، ص ۳۹۳) آثاری از مرحوم ملا با این عنوانین در دسترس نیست. عامل این سهو آن است که این اسم، اشاره به تاریخ وفات و ماده تاریخ رحلت مرحوم ملافتح الله است (ملاذ الفقهاء) که مؤلف آن را از تألیفات او گرفته است. (نیز بنگردید: ۱۳: ج ۱۰، ص ۱۹۹)

این بیت که منتبه به مرحوم محتمش کاشانی است، در ماده وفات ملافتح الله بر سنگ قبر آن بزرگوار نگاشته شده است:

واقف سر قدر عالم اسرار قضا	مفتي دين مبين كاشف قرآن مبين
خاطرش بود در اسرار يقين پرده گشا	هادي وادي تفسير که در حل کلام
بهر تاريخ نوشتند ملاذ الفقهاء	فقها را چو ملاذی به جز آن قدوه نبود

(۲۰: ج ۱، ص ۴۵، مقدمه شعرانی)

## آشنایی با کتاب منهج الصادقین

مهم‌ترین کتاب ملافتح الله و ماندگارترین اثر او، تفسیر جامع «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» است. با اینکه بیش از ۴ قرن از زمان تدوین این کتاب ارزنده می‌گذرد، همچنان مورد توجه محققان و قرآن پژوهان است. بعضی محققان او را

معروف‌ترین کسی می‌دانند که به زبان فارسی، در طریقہ شیعه، تفسیر نوشته است.

(۳۷۴: ص ۳۵)

مرحوم معرفت تفسیر منهج را در سنخ تفاسیر روایی و در بین ۱۴ تفسیر معروف ارزیابی می‌کند. (۳۱: ج ۲، ص ۳۴۶)

نخستین چاپ در تهران به سال ۱۲۹۶ ق (۱۲۵۷ ش) به اهتمام جهانگیر میرزا مشهور به میرزا آقا به چاپ سنگی و در یک مجلد، در قطع رحلی (۳ جلد در یک مجلد) بوده است. چاپهای بعدی این کتاب با مشخصات ذیل انجام گرفته است:

- تبریز، چاپ سنگی، ۳۰ جلد، قطع رحلی بزرگ چاپ اول ۱۳۰۵.
- تهران، چاپ دوم، مکتبه اسلامیه، ۱۳۸۶ ق، قطع وزیری، تحقیق علامه ابوالحسن شعرانی.

- تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، مطبوعه علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۵ ق، ۱۰ جلد، قطع وزیری، به تصحیح علی اکبر غفاری و مقدمه و حواشی سید ابوالحسن مرتضوی.

### ویژگیهای منهج الصادقین

۱. این کتاب در دوره اخیر با اهتمام و تصحیح مرحوم شعرانی به چاپ رسیده است. آن بزرگوار نیز مقدمه‌ای بر این کتاب نگاشته است و در آن، ضمن بحث در باب بعض مسائل علوم قرآنی، به تفصیل به صیانت قرآن از تحریف پرداخته است. او علاوه بر این، به بعض مسائل و سؤالات مطروحة در باب تفسیر منهج همچون مراجعه فراوان مؤلف به اقوال عامه و اسرائیلیات و اخبار آحاد پاسخ داده و جایگاه موارد فوق را در تفسیر بررسی نموده است.

البته مرحوم شعرانی بر جلد دونیز مقدمه‌ای دیگر نوشته که بیشتر ناظر به سؤالات واشکالاتی است که راجع به این تفسیر ایجاد شده است. وی ابتدا ضمن بیان طریقہ مؤلف در تفسیر، به بیان جایگاه تفاسیر جدید (المنار و طنطاوی)

پرداخته و نیم نگاهی نیز به تفسیر صافی فیض دارد.

۲. تفسیر منهج الصادقین مشتمل بر مقدمه‌ای طولانی است شامل ده فصل:

اسامی بعض از قراء قرآن و صحّت اسناد قرائات سبعه، ذکر اسامی قرآن و سوره و آیه و وجه تسمیه هر یک، اصحّ اعداد آیات قرآنی و فایده و معرفت آن و تبیین معنا و تفسیر و تأویل و تفسیر نزول قرآن علی سبعه احرف. مفصل ترین قسمت مقدمه، در ذکر احادیث و اخبار دال بر ترغیب قرائت قرآن و دانستن معانی فرقان است.

۳. از دیدگاه مفسّر «علمی که مثمر سعادت اخروی و مصالح امور دنیوی است، علم قرآن است» به این دلیل که «ماخذ اصول شریعت مصطفوی و مصدر فروع نبوی است که عمل به آن سبب رستگاری دنیا و عقبی است.» او در تأیید این دیدگاه خود از روایات ائمه معصومین علیهم السلام بهره می‌گیرد. (ج ۱، ص ۲۰)

۴. مرحوم ملافتح الله در مقدمه خود متذکر می‌شود که به واسطه عدم توانایی بهره‌برداری عموم مردم از تفاسیر عربی و مغلق بودن تفاسیر فارسی، به همراه تفاصیل موجود در این تفاسیر یا ایجاز فراوان یا کثرت استفاده از الفاظ فارسی قدیم، به اندیشه تدوین کتاب دست یافته است. البته این کلام، ناظر به تفسیر کاشفی نیز بوده است؛ چه آن تفسیر «اگر چه به جواهر عبارات بليغه و لآلی فصيحه محلی بود، اما چون که موافق روش مخالفین و مخالف مذهب ائمه صادقین -صلوات الله عليهم اجمعین- بود، در نظر اعتبار، مارزنگار می‌نمود؛ چه ظاهر آن مزین بود به نقوش جميله و باطنش مملو از سوم عقاید قاتله.» (همان: ص ۴)

۵. او در تدوین این کتاب با اصل قرار دادن قرائات سبعه در تعریر و تفسیر آیات (همان: ص ۴) علاوه بر آنکه از تفاسیر قدیم بهره می‌جويد، دست به کاوش در منابع و کتب تاریخ و کلام و حدیث و فقه و اصول نیز می‌زند و از منابع مختلف به خصوص از تفاسیر فارسی قبل خود نیز بهره می‌برد. (همان: ص ۴) بدین منظور که: «تفسیری از آن انتخاب نماید که مبنی باشد بر حلّ معانی قرآن بر طبق قرائت سبعه که مسلم

الثبت و مجمع عليه جميع موافق و مخالف است.» (همان: ص ۴) در نتیجه، تفسیری تدوین نمود شامل موارد ذیل:

ذکر اسرار و نکات و اسباب نزول، احادیث، قصص ائمّه هدی علیهم السلام، فضل سور و آیات و وجه ارتباط آن، بیان مسائل فقهی، مباحث لغوی و اعراب در حد میانه، رفع شبّهات مخالفان و ابطال مذهب ایشان.

وی در پایان این مقدمه، وجه تسمیه کتاب را چنین یاد می‌کند: «چون مقصد اقصی و مطلب اعلى از این منتخب، ایضاح طریق ائمّه صادقین علیهم السلام است به حجج واضحه، و الزام مخالفین به براهین باهره، از این جهت، مسمی شد به منهج الصادقین فی الزام المخالفین.» (همان: ص ۴۵)

۶. او در تفسیر خود، ترجمه را در ضمن تفسیر می‌آورد و با ذکر شأن نزول آیات و مباحث ادبی و بلاغی، توجّه خاصی به اقوال عامّه و قصص وارد در باب تفسیر قرآن دارد. تفسیر بیضاوی و مباحث ادبی و کشاف زمخشری نیز مورد توجّه ویژه اوست. اما اینکه بعض محققین، کتاب ترجمة الخواص زواره‌ای را نیز از مصادر این تفسیر دانسته‌اند (۶؛ ص ۲۰۱)، شاهدی بر آن عرضه نکرده‌اند و نگارنده نیز موردي بر صدق آن نیافت.

۷. تفسیر او تفسیری ترتیبی و جامع از قرآن کریم است. او در ابتدای هر سوره، به نقل ابی بن کعب، فضل سور را بیان می‌کند (هر چند محققین در صحّت این استناد و نقل تردیدهای جدّی دارند). (بنگرید: ۱۳؛ ص ۱۲۲) سپس می‌کوشد که به گونه‌ای، بین آن و سوره قبل، ارتباط معنایی ایجاد کند.

۸. از نکات مورد توجّه او در این تفسیر، اهتمام ویژه او به دفاع از جایگاه اهل بیت علیهم السلام و مقام شامخ آن بزرگواران است که در این باب نیز سعی عمده او تلاش از استفاده از منابع اهل تسنّن است.

همین کثرت استفاده از روایات است که سبب شده تفسیر منهج را از قسم تفاسیر



روایی بدانند (ج ۱، ص ۳۴۶)؛ هر چند صحیح‌تر آن است که این تفسیر از قسم تفاسیر واعظانه است. (ص ۲۲۸: ۱۷)

۹. علامه آقا بزرگ طهرانی در الذریعه یاد آور شده که: ... ذکر فی خطبته أَنَّهُ أَوْردَ كثِيرًا مِنْ أَخْبَارِ الْعَامَةِ إِلَزَاماً لَهُمْ (ج ۱: ۲۳، ص ۵۶۸؛ ۱۹۳-۱۹۴: ۲۴، ص ۵۶۸) این سخن صحیح به نظر نمی‌رسد. در خطبه ابتدای کتاب چنین مطلبی یافت نشد، هرچند طریقه ملافتح الله در تفسیر چنین است و فراوان به روایات عامه در اثبات نظریات خود استناد می‌نماید.

در بین روایان عامه، بیشترین روایت منقول در این تفسیر، از آن ابوهریره است. یادآور می‌شود که اعتماد واستفاده و ذکر روایات موثق اهل سنت در کتب تفاسیر قبل و بعد از ملافتح الله، در کتب تفاسیر متعدد شیعه همچون تفسیر «الصفافی» فیض کاشانی و تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر «مجمع البیان» به چشم می‌خورد؛ همچنان که در کتب غیر تفسیری همچون «جامع السعادات» نراقی و «شرح اللّمعه» این سنت ادامه یافته است.

۱۰. کاشانی هر جاروایی آورده، معنای فارسی رانیز به سان قرآن بیان می‌دارد. نیز از اشعار فارسی و عربی زیادی نیز بهره گرفته، هرچند نام شاعر را مشخص ننموده است.

۱۱. از دیگر موارد قابل توجه، کثرت بیان اقوال عرفا و صوفیان است که در برخی موارد رنگ و بوی تفاسیر عرفانی را به این تفسیر جامع می‌دهد. او از ابن عربی و سلمی بیش از دیگران بهره می‌برد و در جای جای تفسیر، به متون مهم عرفانی همچون روح الارواح (نوشتہ شهاب الدین منصور سمعانی)، مصابیح القلوب (ج ۸، ص ۴۲۲)، قوت القلوب (همان: ج ۵، ص ۱۰۶ و ۲۰۱)، کشف الاسرار (همان: ج ۵، ص ۵۶۳)، لوماع (۷: ۳۴۱)، لطایف (۱۰: ۱۴۳)، تأویلات ماتریدی و انوار (۳: ۳۵۳ و ۷: ۳۴۰ و ۴: ۳۴۱ و ۴: ۳۵۷) استناد می‌کند. در مواردی دیگر به

بيان تفاسير عرفاني قشيري (١: ٤٣٠ و ٧، ٣٤١)، بكر بن عبيد (١٠: ١٨٣)، أبو سعيد ابوالخير (٣: ٤٣٢)، أبو القاسم بلخى (١٠: ١٨٣)، شيخ جنيد (٩: ١٦٠ و ٧: ٣٤١)، ابن عطا (٩: ١٦٠)، خواجه پارسا (٧: ٣٤١)، ماتريدي (٥: ٤٢٩)، قاسم انوار (٧: ٣٤١)، سفيان ثوري (٦: ٣٨٧)، شبلى و شيخ نجم الدين دايه در بحر الحقائق (٩: ١٦٠) می پردازد.

سید ابوالحسن مرتضوی، یکی از مصححین منهج الصادقین، در چند مورد به نقد بيان تفاسير عرفاني در تفاسير واعظانه پرداخته و پرداختن به اين اقوال را مناسب اين كتاب نمی داند. اين نقد، البته با توجه به آنکه مفسر گرانقدر نيز مخاطب خود را عامه مردم می داند (همان: ج ١، ص ٤) قابل قبول است.

شدیدترین حملات مصحح به اين روش مفسر، مربوط به تفسير آيه **﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾** (نازعات: ٧٩: ٢٤) است. کاشانی به قول یکی از عرفان استناد كرده که:

یکی از عرفان مناجات کرد که خداوندا این چه حال است که فرعون **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** گفت و حسین منصور حلاج **أَنَا الْحَقُّ!** هر دویک دعوی کردند؛ روح حسین در علیئین است و از آن فرعون در سجین. هاتقی آواز داد که فرعون به خودبینی درافتاد و همه خود را دید و خود را گم کرد پس در میان فرق بسیار است. (همان: ج ١٠، ص ١٤٤)

مصحح (آقای مرتضوی) از اين روش مفسر انتقاد می کند و می نويسد:  
با ز هم ذوق عارفانه مرحوم مؤلف به اهتزاز آمده و سخن یکی از اقطاب صوفیه را - که آن علاء الدوله سمنانی و سر سلسله صوفیه علائیه است - نقل نموده ولی قسمتی از کلمات وی را ذکر نکرده است...

تعجب است از مرحوم مؤلف که اين كتاب را به عنوان تفسير قرآن کریم تأليف و آن را منهج الصادقين فی الزام المخالفین نامide، مع الوصف، در مواضع عدیده کثیری از ارجیف و اکاذیب و خرافات و اوهام جمعی از صوفیه را نقل نموده که هم از نظر اکابر علمای شیعه مانند شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ طوسی و شیخ بهایی و امثالہم بلکه جمعی از علمای عامه نیز چون ابن جوزی در تلبیس

ابليس و ابن النديم در فهرست، محکوم به کفر و الحاد و حلول و اتحادند و هم از معاندين ائمه طاهريين عليهم السلام به شمار آمده‌اند. و اعجب از اين، نگارشات بعض معاصرین است در اينجا که خواسته محمول صحیحی از برای کلمات کفر آمیز حسین حلاج درست کند. (همان: ج ۱۰، ص ۱۴۴)

۱۲. در موارد ديگر مباحث فقهی را نيز ارائه و نظر خود را بيان می‌کند. (همان: ج ۱۰، ص ۲۴؛ ج ۹، ص ۱۵۴)

۱۳. در اين كتاب، روایات مردود و تواریخ مجمعول و اسرائیلیات آمده که قابل بررسی است؛ همانند اسلام قیصر بعد از درد چشم و شفای او توسط نامه‌ای از حضرت علی با محتوای بسمله (همان: ج ۱، ص ۳۴) که صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چه آنکه اگر قیصر روم آیین خود را تغییر داده بود، در کتب تاریخ معروف و مشهور بود و سبب اشتهران اسلام در حوزه امپراتوری روم می‌شد.

۱۴. صاحب كتاب لباب الالقاب می‌نويسد:  
گفته شده که تفسیر معروف فارسي او «منهج الصادقين» در هنگام فوت او ناتمام ماند و داماد او آن را به پایان رسانيد. (۱۴: ص ۸۲ - ۸۳)

در ردّ اين قول موارد ذيل قابل ذكر است:

اول: صاحب منهج خود در ابتداي كتاب می‌نويسد:  
و بر پنج مجلد ترتيب يافت به جهت موافقت آن به عدد آل عبا، اثر تیمن و تبرک پذيرفته على احسن التصرف والنظام سمت اختتام يابد. (۱۹: ج ۱، ص ۵)  
دوم: آنکه اگر او خود تفسیر را به اتمام نرسانده بود، چگونه وي کتب تلخيص منهج را به فارسي و عربي بازگردانده است؟

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آقابرگ طهرانی، محمد محسن. **طبقات اعلام الشیعه: الکواكب المستشره فی القرن الثانی بعد العشره**. تحقیق: علی نقی منزوی. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ———. **الذریعة الى تصانیف الشیعه**. بیروت: دارالا ضواء.
۳. استادی، رضا. **آشنایی با تفاسیر**. قم: قدس.
۴. اندی اصفهانی، میرزا عبدالله. **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**. ج ۴. ترجمه: محمدباقر ساعدی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، اول.
۵. امین، سید محسن. **اعیان الشیعه**. تحقیق: حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۶. ایازی، سید محمدعلی. **سیر تطور تفاسیر شیعه**. رشت: کتاب میین.
۷. بهار (ملک الشعراء)، محمدتقی. **سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی**. تهران: امیرکبیر.
۸. تفضلی، آذر و فضائلی جوان، مهین. **فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا ۱۴ هجری**. مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. جعفریان، رسول. **کاوش‌های تازه در باب روزگار صفوی**. قم: انتشارات ادیان.
۱۰. حاجی خلیفه. **کشف الظنون عن اسمی الكتب و الفنون**. بیروت: دارالفکر.
۱۱. درودی، موسی. **نخستین مفسران پارسی‌نویس** (کتاب اول). تهران: نور فاطمه. بی‌تا.
۱۲. سادات ناصری، سیدحسن و دانشپژوه، منوچهر. **هزار سال تفسیر فارسی**. سیری در متون کهن تفسیری پارسی با شرح و توضیحات. تهران: البرز، اول. ۱۳۶۹.
۱۳. سبحانی، جعفر. **موسوعة طبقات الفقهاء**. قم: مؤسسه امام صادق علیهم السلام.
۱۴. شریف کاشانی، حبیب‌الله. **لباب الالباب فی القاب الاطیاب**.
۱۵. صدر الافضل، سید مرتضی حسین. **مطلع الانوار: احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند**. ترجمه: دکتر محمد هاشم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. عارف تقی، سیدحسین. **تذکره علمای امامیه پاکستان**. ترجمه: دکتر محمد هاشم. مشهد: بنیاد



- پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ۱۳۷۰ ش.
۱۷. فهیمی تبار، حمید. روش‌شناسی تفسیر منهج الصادقین. پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۶ و ۴۷. ۱۳۸۵، ۲۱۶-۲۲۹.
۱۸. قمی، سیخ عباس. الفوائد الرضوية فی احوال علماء المذهب الجعفریة. بی‌جا: بی‌تا.
۱۹. کاشانی، ملافتح الله. منهج الصادقین و الزام المخالفین. تصحیح: علی اکبر غفاری. پاورقی: ابوالحسن مرتضوی. تهران: علمی، ۱۳۳۶ ش.
۲۰. ———. منهج الصادقین والزام المخالفین. تصحیح: ابوالحسن شعرانی. تهران: اسلامیه، ۱۳۴۷ ش.
۲۱. ———. تنبیه الغافلین و تذكرة العارفین. به اهتمام: حاج ملا شکرالله رازی لواسانی طهرانی. تهران: بی‌نا، ۱۳۰۵.
۲۲. کحاله، عمر رضا. معجم المؤلفین. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۳. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم. تاریخ کاشان. با کوشش ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین. ۱۹۶۳ م.
۲۴. کتوری، اعجاز حسین. کشف الحجب و الاستار عن احوال الكتب والاسفار. قم: مکتبة آیة الله المرعشي. ۱۴۰۹ ق.
۲۵. گروه مترجمان. ترجمه تفسیر طبری. با تحقیق حبیب یغمایی. تهران: انتشارات طوس، چاپ دوم. ۱۳۵۶ ش.
۲۶. گلی زواره، غلامرضا. مفسری گمنام و تفسیر او. آیینه پژوهش، شماره پیاپی ۲۳، (۴۸-۳۷). ۱۳۷۲.
۲۷. ———. تفسیر ترجمة الخواص. آیینه پژوهش. سال دوم، شماره سوم، (۴۸-۳۹)، ۱۳۷۰.
۲۸. محمودی، محمدباقر. نهج السعادۃ فی مستدرک نهج البلاغة (ج ۱). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۶ ق.
۲۹. مدرس، محمدعلی. ریحانة الادب: فی تراجم المعروفین بالکنية و اللقب. تهران: خیام، ۱۳۶۹.

٣٠. مطهری، مرتضی. خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا. ۱۳۶۸.
٣١. معرفت، محمد هادی. **التفسیر و المفسرون في ثوبه القشیب (ج ۲)**. قم: منشورات الجامعه الرضویه. ۱۳۷۷.
٣٢. ———. تحریف ناپذیری قرآن. ترجمه: علی نصیری. تهران: سمت. ۱۳۷۹.
٣٣. ———. **تفسیر و مفسران (ج ۱)**. قم: مؤسسه التمهید، اول، ۱۳۷۹.
٣٤. الموسوی الخوانساری الاصفهانی، سید محمد باقر. **روضات الجنات في احوال العلماء و السادات**. تحقيق و شرح: محمد علی روضاتی. طهران: دار الكتب الاسلامیه. ۱۳۸۲ق.
٣٥. نفیسی، سعید. **تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری**. تهران: فروغی. ۱۳۶۳.
٣٦. نمازی، شیخ علی. **مستدرک سفینه البحار**. تصحیح: شیخ حسن بن علی النمازی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیة قم. بی تا.



زنگنه به تفسیر منهج الصادقین